

دیدگاه قرآن

درباره بدن اخروی

در این مقاله ابتدا دیدگاه متکلمان و برخی از حکما را در مورد چگونگی بدن اخروی نقل کرده و سپس با استناد به آیاتی که مفاد آن‌ها، خارج شدن انسان‌ها از قبر، بیرون آمدن از خاک، زنده شدن استخوان‌های پراکنده، گواهی اعضای آدمی در رستاخیز به کارهایی که در دنیا انجام داده است، و آیات دیگر، بر عینیت بدن اخروی با بدن دنیوی استدلال کرده و در خاتمه به اشکالات مطرح شده در این زمینه پاسخ داده می‌شود.

در این زمینه را نقل و سپس دیدگاه قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. برخی از متکلمان بر این باورند که خداوند در آخرت همان اجزای دنیوی بدن انسان را زنده می‌کند^(۱)، طبق این دیدگاه بدن اخروی عین بدن دنیوی است.

دیدگاه دانشمندان درباره بدن اخروی

بر اساس دیدگاه معاد روحانی و جسمانی، این پرسش مطرح است که آیا بدن اخروی انسان، عین بدن دنیوی یا مثل آن است؟ دیدگاه‌های اساسی دانشمندان

روح، به سوی عالم آخرت، در حرکت است و در قیامت به نفس که در دنیا همراه او بوده می‌پیوندد.^(۶) وی بر این باور است که پس از مفارقت نفس از بدن، بدن در واقع و نفس الامر از سایر بدن‌ها ممتاز بوده و عناصر تشکیل دهنده آن نیز از عناصر سایر ابدان ممتاز و مشخص می‌باشد.^(۷) طبق این نظریه نیز، بدن اخروی عین بدن دنیوی است.

قرآن و بدن اخروی

از برخی آیات قرآن استفاده می‌شود که روح با همان بدن دنیوی در آخرت محشور می‌شود. این آیات به چند گروه تقسیم می‌شوند که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. آیاتی که بیان‌گر خارج شدن انسان‌ها از قبر در قیامت است. خدای تعالی می‌فرماید:

۲. متکلمانی که به «اجزای اصلی انسان»، قائلند بر این باورند که آن چه نابود می‌شود، اجزای غیر اصلی است و خداوند اجزای جدیدی بجای آن‌ها می‌آفریند.^(۲) بر این اساس بدن اخروی نسبت به اجزای اصلی بدن، عین و نسبت به اجزای جدید، مثل آن است.

۳. برخی از متکلمان نیز بر این عقیده‌اند که بدن اخروی، اگر چه مادی است ولی شبیه بدن دنیوی است و به آیاتی از قرآن^(۳) نیز استناد کرده‌اند.^(۴)

۴. صدرالمتألهین بر این باور است که بدن اخروی مرتبه تکامل یافته بدن طبیعی است که تفاوت‌هایی با بدن دنیوی دارد، ولی رابطه این همانی بین آن‌ها برقرار است.^(۵)

۵. مدرس زنوزی با بیان مقدماتی تبیین می‌کند که بدن انسان پس از جدایی

۲. کشف المراد، ص ۴۰۷.

۳. یس (۳۶): ۸۱ و نساء (۴): ۵۶.

۴. شرح المقاصد، ج ۵، ص ۹۱.

۵. اسفار اربعه، ج ۹، ص ۲۰۰؛ اصول المعارف، ص ۲۰۲.

۶. شرح بر زاد المسافر، ص ۳۲۴ الی ۳۳۰.

۷. معاد از دیدگاه حکیم زنوزی، ص ۷۴.

«به درستی که در آمدن رستاخیز تردیدی نیست و خداوند تمام کسانی را که در قبرها آرمیده‌اند برای پاداش و کیفر زنده می‌کند».

ج. «خُشِعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّتَسِسِرٌ» (۱۳)

«آن‌ها (ستمگران) از قبرها خارج می‌شوند در حالی که چشم‌هایشان از شدت وحشت به زیر افتاده و بدون هدف، هم چون ملخ‌های پراکنده به هر سو می‌دوند».

همان گونه که از ظاهر آیات استفاده می‌شود، مراد از قبر، همان خاکی و طبیعی است که بدن انسان‌ها را بعد از مرگ در آن قرار می‌دهند و هنگام برپایی قیامت از آن خارج و برای حسابرسی وارد محشر می‌گردند.

۲. آیاتی که به روشنی بیان می‌کند که

الف. «وَيُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ* قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» (۸)

«در صور دمیده می‌شود ناگهان آن‌ها از قبرهایشان به سوی دادگاه پروردگارشان به تندی رهسپار می‌شوند، می‌گویند وای بر ما چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ آری این همان است که خداوند رحمان وعده داده و فرشتگان او راست گفتند».

«نفخ» به معنای دمیدن است (۹) و «اجداث» جمع جدث به معنای قبر (۱۰) و «ینسلون» از ماده نسل به معنای حرکت با تندی و سرعت (۱۱) است و «مرقد»، اسم مکان به معنای قبر می‌باشد.

ب. «وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ» (۱۲)

۸. پس (۳۶): ۵۲-۵۱.

۹. مفردات الفاظ القرآن، ماده نفخ.

۱۰. العين، ج ۶، ص ۷۳.

۱۱. مفردات الفاظ القرآن، ماده نسل.

۱۲. حج (۲۲): ۷.

۱۳. قمر (۵۴): ۷.

انسان از خاک آفریده شده و به آن باز می‌گردد و دوباره از آن بیرون می‌آید، می‌فرماید:

الف. ﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا * ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا﴾. (۱۴)

«پس شما را به همان زمین که از آن رویدید باز می‌گرداند و بار دیگر شما را از آن خارج می‌کند».

ب. ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾. (۱۵)

«ما شما را از آن (زمین) آفریدیم و در آن باز می‌گردانیم و بار دیگر در قیامت شما را از آن بیرون می‌آوریم».

۳. آیاتی که بیان می‌کند اعضای بدن انسان در رستاخیز حاضر می‌شوند و به کارهایی که در دنیا انجام داده‌اند گواهی می‌دهند.

الف. ﴿يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾. (۱۶)

«در آن روز زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان بر ضد آن‌ها به کارهایی که انجام داده‌اند گواهی می‌دهد!».

و می‌فرماید:

ب. ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾. (۱۷)

«روزی که بر علیه آنان زبان‌ها و دست‌ها و پاهای آنان به آن چه انجام داده‌اند گواهی می‌دهد».

۴. آیاتی که شبهات منکران رستاخیز را پاسخ داده است که از آن‌ها استفاده می‌شود مسئله‌ای که مورد انکار آنان بوده است، باز آفرینی اجزای بدن‌های متلاشی و پراکنده در زمین پس از مرگ بوده است می‌فرماید:

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾. (۱۸)

۱۴. نوح (۷۱): ۱۷-۱۸.

۱۵. طه (۲۰): ۵۵.

۱۶. نور (۲۴): ۲۴.

۱۷. یس (۳۶): ۶۵.

۱۸. یس (۳۶): ۷۸-۷۹.

«و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت چه کسی این استخوان‌ها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟ بگو، همان کس آن‌ها را زنده می‌کند که نخستین بار آن‌ها را آفرید».

واژه‌های «خارج شدن از قبر»، «بیرون آمدن از خاک»، «گواهی دادن اعضای بدن انسان در قیامت»، «زنده کردن استخوان‌های پوسیده»، همگی دلالت بر حضور اجزای بدن عنصری و تشکیل بدن اخروی از اجزای بدن دنیوی دارد، با این تفاوت که زندگی آخرتی از کمال و برتری خاصی نسبت به بدن دنیوی برخوردار است.

درباره زندگی اخروی در مقایسه با زندگی دنیا خدای تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ السَّاعَةَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾. (۱۹)

«این زندگی دنیا جز لهو و لعب چیزی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است

اگر آن‌ها می‌دانستند». آیه شریفه بیان‌گر آن است که، زندگی آخرتی در مقایسه با زندگی فناپذیر دنیا، يك نوع حیات ابدی و حقیقی و جاودانه است که هرگز زوال و مرگ در او راه ندارد و همان گونه که علامه طباطبائی رحمته الله علیه به آن تصریح کرده است، «ملحق شدن بدن به نفس» در معاد امری ضروری است، الا این که نشئه دنیا به نشئه دیگری در نهایت کمال و حیات تبدیل می‌شود و بدن هم چون نفسی زنده و نورانی می‌شود». (۲۰)

استاد «آیت الله سبحانی» ضمن تصریح به حضور بدن دنیایی در عالم آخرت می‌نویسد: «نمی‌توان گفت کیفیت بدن اخروی از قبیل بدن برزخی و صورتهای مثالی است که نفس با خلاقیت خود آن‌ها را ایجاد می‌کند، بلکه آیات به روشنی دلالت می‌کند که بدن‌های دنیوی که در کتب علمی از آن به بدن مادی و عنصری تعبیر می‌شود، برانگیخته خواهد شد. و در

۱۹. عنکبوت (۲۹): ۶۴.

۲۰. انسان از آغاز تا انجام، ص ۱۱۳.

غیر این صورت تمام این تشبیه‌ها و تقریب‌ها بلاغت خود را از دست خواهد داد و رابطه میان معاد و مردگان زنده شده، به وسیله پیامبران از بین خواهد رفت. (۲۱)

مؤید آن روایتی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: روح در مکان خویش سکنی دارد، روح شخص نیکوکار در نور و آسایش، و روح شخص بدکار در تاریکی، اما بدن به صورت همان خاکی درمی‌آید که از آن آفریده شده و آن چه را که حیوانات درنده و حشرات از بدن انسان خورده و دفع نموده‌اند، همگی در خاک خواهد ماند و نزد کسی که مثقالی از تاریکی‌های زمین بر او پوشیده نیست و به عدد و وزن همه اشیا عالم است محفوظ خواهد ماند. خاک موجودات ذی روح در میان خاک‌های دیگر، هم چون طلایی است که با آب شسته شود و به دنبال آن خاک هر قالبی جمع می‌گردد و جایی که روح در آن است منتقل می‌شود و دوباره به

صورت خویش باز می‌گردد. (۲۲)

اشکال

از برخی آیات استفاده می‌شود که بدن اخروی مثل بدن دنیوی است، از این رو با آیاتی که دلالت بر خروج عین بدن‌ها از قبر می‌کند سازگاری ندارد، از جمله می‌فرماید:

﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾. (۲۳)

«آیا خدایی که آسمان و زمین را آفرید توانا نیست که مثل انسان‌ها را بار دیگر بیافریند».

و نیز می‌فرماید:

﴿نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ * عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾. (۲۴)

«ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم و هرگز بر ما کسی پیشی نمی‌گیرد»

۲۱. منشور جاوید، ج ۹، ص ۱۱۴.

۲۲. احتجاج، ج ۲، ص ۹۸ به اختصار.

۲۳. یس (۳۶): ۸۱.

۲۴. واقعه (۵۶): ۵۹-۶۱.

غیر از شما را به جای شما قرار می‌دهد است. (۲۸) طبق این بیان، آیه هیچ ارتباطی با معاد و بدن اخروی ندارد.

ولی این تفسیر با سیاق آیات ناسازگاری ندارد زیرا آیات قبل دربارهٔ شبهه منکران معاد بود که می‌گفتند:

﴿أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا﴾. (۲۹)

«آیا هنگامی که ما استخوان‌های پوسیده و خاک‌های پراکنده‌ای شدیم، بار دیگر آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟!».

و پاسخ هم باید با شبهه و سؤال تناسب داشته باشد. از این رو در پاسخ، خدای تعالی می‌فرماید: کسی که توانا بر آفرینش چیزی باشد توانایی بر آفرینش همانند آن را نیز دارد و هرگاه بتواند همانند آن را بیافریند توانایی بر بازگرداندن آن‌ها را نیز دارد.

به نظر می‌رسد مراد از «مثل» در آیه «عین» است یعنی خدا توانایی دارد که عین آن‌ها را در قیامت بازآفرینی کند همان گونه

تا گروهی را به جای گروه دیگر بیاوریم».

﴿نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَلْنَا أُمَّتَهُمْ تُبْدِيلًا﴾. (۲۵)

«ما اینان را آفریدیم و محکم بنیان ساختیم و هرگاه بخواهیم همه را فانی ساخته مانندشان قومی دیگر خلق می‌کنیم».

پاسخ

منظور از «آفرینش مثل» چیست؟
فخر رازی در تفسیر «مثل» در آیه بقا در «عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ» به صورت احتمال می‌نویسد:

یعنی خدا، توانایی دارد که انسان‌هایی بیافریند که به یگانگی خدا و کمال و قدرت او اعتراف کنند و این شبهات فاسد را (که دربارهٔ توانایی خدا بر آفرینش پدیده‌ها مطرح می‌کنند) ترك کنند، طبق این تفسیر «يَخْلُقُ مِثْلَهُمْ» همانند آیه «يَأْتِي يَخْلُقِ جَدِيدًا» (۲۶)، آفریده‌های تازه‌ای می‌آورد و «يَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرِكُمْ» (۲۷) گروه دیگری

۲۶. ابراهیم (۱۴): ۱۹.

۲۸. تفسیر الکبیر، ج ۷، ص ۴۱۲.

۲۵. انسان (۷۶): ۲۸.

۲۷. توبه (۹): ۳۹.

۲۹. اسراء (۱۷): ۹۸.

که از ظاهر کلام «ابن کثیر» در ذیل آیه نیز استفاده می‌شود. (۳۰)

این تفسیر به چند دلیل مناسب است:

۱. این تعبیر در محاورات عرفی نیز رایج است، همان گونه که می‌گویند، «مثل تو چنین کاری نمی‌کند»، یعنی خودت چنین عملی را انجام نمی‌دهی، یا اعاده مثل ابتداء است، که از آفرینش بار دوم به مثل تعبیر شده است.

۲. اگر چه با مرگ تغییراتی در اجزای بدن انسان ایجاد می‌شود، ولی به گونه‌ای نیست که عینیت انسان تغییر کند، بلکه طوری است که اگر بدن اخروی با بدن دنیوی مقایسه شود، مثل آن بدن است و هنگامی که با جان آدمی که حافظ وحدت شخصیت انسان در زندگی دنیا و آخرت است سنجیده شود، عین آن خواهد بود، اما از آن رو که تردید منکران رستاخیز، درباره توانایی خدا به بازآفرینی اجزای بدن انسان که پوسیده و تبدیل به خاک شده‌اند

بود، برای هماهنگی پاسخ با اشکال به آفرینش مثل آن‌ها پاسخ داده شد.

۳. خداوند در آیه دیگر در چنین سیاقی به جای «مثل» تصریح کرده است که می‌تواند «همان مردگان» را زنده کند. می‌فرماید:

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُمُ قَدْرٌ عَلَيْهِ أَنْ يُضَيِّعَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۳۱)

«آیا آن‌ها نمی‌بینند خداوندی که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آفرینش آن‌ها ناتوان نشده است، می‌تواند مردگان را زنده کند؟! آری او بر هر چیز توانا است.»
علامه طباطبایی رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد:

مراد از «امثال» همان اصطلاح رایج در علوم عقلی یعنی «اتحاد نوعی» و «اختلاف شخصی» نیست، چه در این صورت «مثل شیء» غیر از خود شیء است و در نتیجه نمی‌توان با استدلال‌هایی نظیر

۳۰. تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۷۰.

۳۱. احقاف (۴۶): ۳۳.

آفرینش مثل تعبیر کرده است، زیرا حفظ عینیت به معنای فلسفی، مستلزم بازگشت زمان و مکان و دیگر ویژگی‌های آن است که امر ناشدنی و محال به شمار می‌آید، و همان گونه که «ملاصدرا» به آن تصریح کرده است «کسی به عینیت تام و تمام همه اجزای بدن دنیوی و بدن اخروی حکم نکرده است زیرا که در دنیا هم تمام اجزای بدن در طول عمر ثابت و پایدار نیستند».^(۳۲)

نتیجه نهایی

با توجه به آیاتی که درباره برانگیخته شدن انسان در قیامت آمده است، مانند خارج شدن انسان‌ها از قبر، که ظهور در قبر مادی و طبیعی دارد، بیرون آمدن از خاک، زنده کردن استخوان‌های پراکنده در قیامت، گواهی اعضای بدن انسان بر کارهایی که در دنیا انجام داده است که دلیل بر حضور آن در قیامت است، و آیاتی که بر امکان وقوعی حیات اخروی دلالت دارد، استفاده می‌شود که بدن

آیه «أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ»^(۳۲) حجت را بر منکرین حشر تمام نمود، چون خلق نمودن «مثل آنان» معنایش برگرداندن خود آنان نیست. بنابراین مراد از «خلق مثل» و یا «تبدیل امثال» تبدلانی است که در آن‌ها انجام می‌پذیرد به طوری که از خود آنان خارج نمی‌گردد... بنابراین مراد از مثل شیء خود همان شیء است و این یک نوع ظرافت در کلام است. بنابراین از همه این آیات فهمیده می‌شود که بدن‌ها پیوسته در دگرگونی و تغییرند و از گونه‌ای به گونه دیگر درآیند تا این که به لحظه قیامت برسند و به نفس‌های خویش ملحق شوند.^(۳۳) حاصل آن که از آیات استفاده می‌شود که خداوند از اجزای پراکنده انسان در قیامت بدنی بازآفرینی می‌کند و نفس را به آن باز می‌گرداند به گونه‌ای که اجزای بدن جدید همان اجزای بدن دنیایی انسان است و چون آفرینش دوباره است از آن به

۳۲. انسان از آغاز تا انجام، ص ۱۱۵.

۳۲. پس (۳۶): ۸۱.

۳۴. اسفار اربعه، ج ۹، ص ۱۶۵.

خود را از دست بدهد و رابطه معنایی بین گفتار پیامبران و انسان‌ها از بین برود و منظور از آفرینش مثل و امثال نیز بازآفرینی اجزای پراکنده است که چون جمع اجزای پراکنده و آفرینش دوباره است از آن به آفرینش امثال تعبیر شده است.

اخروی همان بدن عنصری مادی است با این تفاوت که بدن اخروی نسبت به بدن دنیوی از کمال و جاودانگی و حیات برتری که زوال و مرگ ندارد، برخوردار است در غیر این صورت لازم می‌آید که تمام تشبیه‌های قرآنی درباره معاد معنا و بلاغت

عباس رسولی تبریزی

شعر و ادب در خدمت مذهب

نگردد غوره حلوا در جهان هرگز به آسانی

دانشمند محترم جناب آقای عباس رسولی تبریزی چکامه‌ای سروده و ارسال نموده که بخشی از آن جنبه خصوصی داشته و برخی جنبه همگانی، و لذا بخش دوم را در اینجا می‌آوریم:

نباشد گنج، حاصل بر کسی بی رنج در گیتی

نگردد غوره حلوا در جهان هرگز به آسانی

نگهبان شریعت در جهان دانشوران هستند

در این دنیای پر آشوب، چون دریای طوفانی

جهان کز پرتو دانش، چنین پر نور و نورانیست

اگر دانشوری نبود، شود تاریک و ظلمانی

به گیتی رهنمای راه دین این عالمان باشند

اگر عالم نباشد در جهان، نبود مسلمانی

بلی، روشنگر فکر بشر هستند دانایان

بشر را می‌رهانند از فشار جهل و نادانی

ولی، صد حیف، مردم قدر عالم را نمی‌دانند

از آن رو، کار مردم رو نهد بر نابسامانی